



آژانس شیشه‌ای یا **ابراهیم حاتمی کیا** -۱۳۷۶

رضا کیانیان (سلحشور): دههٔ گذشته مری، اگه اون اسلحه دست نباشه کی به حرفت گوش میده؟ اینه که برات زور داره، به دهه حرف زدی ساکت بودیم، کری خودنی ساکت بودیم، گرفتی ساکت بودیم، پس دادی ساکت بودیم، حالا اجازه بده ما حرف بزнім، خانوما آقایون دوست دارین یکی از این کشورها دوباره به ما حمله کنه؟ دوست دارید جنگ بشه؟ ثبات، دهه ما دهه ثباته، امنیت، این کشور کی باید روی امنیت رو ببینه؟ کی باید روی ثبات رو ببینه؟ اون پسترو کی باید بتونه برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کنه؟ دهه من هم نیست!

چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱ • ۱۸ رمضان ۱۴۴۳ • ۲۰ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۶۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۲۰:۰۰

اذان صبح فردا ۴:۵۴ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

دیارلوگ روز

سیمای یک مرد خشمگین

بوتین در آرزوی امپراتوری



محمود فاضلی

تحلیلگر بین الملل

کاخ کرملین فهرست جدید خود را از دارایی‌های شخصی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، منتشر کرد. آن هم در حالی که پوتین به خاطر جنگ با اوکراین به شدت چهره نامحبوبی شده است. این فهرست که در سال‌های اخیر معمولاً در چنین ایامی منتشر می‌شود، موضوعی حساس برای رهبران روسیه است. بر مبنای این فهرست، پوتین مالک یک آپارتمان ۷۷ مترمربعی، سه خودروی شخصی و یک یدکنش خودرو است. او در سال گذشته در مجموع ۱۰میلیون و ۲۰۰ هزار روبل حقوق دریافت کرده که معادل حدود ۱۱۴ هزار یورو می‌شود. این کل دریافتی نقدی زمامداری است که از بیش از دو دهه پیش بر روسیه حاکم است. در سال ۲۰۲۰ پوتین ۹میلیون و ۹۹۴ هزار روبل (معادل ۱۳۱هزارو ۹۰۰ دلار) درآمد داشته است. پوتین در سال ۲۰۱۹، درآمد خود را ۹میلیون و ۷۲۶ هزار روبل (معادل ۱۲۸هزارو ۳۵۰ دلار) اعلام کرد.

الیکارش‌های روسی یا ثروت‌های روس‌ها

منتقدان پوتین احتمال می‌دهند دارایی‌های واقعی پوتین چندین برابر فهرست اعلام‌شده باشد. برخی او را یکی از ثروتمندترین مردان جهان می‌دانند. پوتین و اطرافیان‌ش از سوی کشورهای غربی بارها به فساد مالی متهم شده و مدعی‌اند بسیاری از نزدیکان و معتمدان رئیس‌جمهوری روسیه، الیکارش‌های روسی با ثروت‌های افسانه‌ای و افراد وابسته به آنها هستند. در فهرست کرملین، درآمد وزیر بازرگانی روسیه در سال گذشته نزدیک به ۷۰۵ میلیون روبل (هفت‌میلیون و ۹۰۰ هزار یورو) اعلام شد. بیشترین درآمد سالانه در میان افراد شاغل در خود کاخ کرملین مربوط به ولادیمیر مدینسکی، دستیار ویژه پوتین می‌شود. مدینسکی در سال گذشته ۱۰۶میلیون و ۷۰۰ هزار روبل (معادل یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار یورو) دریافت کرده است. او سرپرستی هیئت روسی در مذاکره با اوکراین را بر عهده دارد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اموال دولتی در چند مرحله و به روش‌های گوناگونی به خریداران واگذار شد. افرادی از همین طریق قدرت اقتصادی بالایی به دست آوردند و در پی تحمیل قدرت اقتصادی، درصد اعمال نفوذ سیاسی و دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور برآمدند. این افراد که در اصطلاح الیکارش خوانده می‌شوند، با به‌قدرت‌رسیدن پوتین، مجبور به تغییر روش شدند.

افشاگری‌های آلکسی ناوالنی

ناوالنی، منتقد سرسخت پوتین که هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد، تاکنون پرونده‌های زیادی از فساد مالی پوتین و اطرافیان‌ش فاش کرده است. او بنیادی برای مبارزه با فساد تأسیس کرد که گزارش‌های شهروندان را درباره اقدامات فسادآمیز دولتی جمع‌آوری می‌کرد. همکاران او سال گذشته در یک فیلم مستند دوساعته از «یک قصر مجلل پوتین» در ساحل دریای سیاه که به تجهیزات ایمنی مدرنی مجهز شده است و ادعا می‌شود یک میلیارد یورو ارزش دارد، پرده برداشتند. کرملین مستند ناوالنی و همکاری‌انش درباره این قصر را بی‌معنی و دروغ خوانده است. ناوالنی، منتقد اصلی پوتین، در سال ۲۰۱۱ حزب «روسیه متحد»، حزب سیاسی پوتین را «حزب کلاهبرداران و دزدان» نامید. این عبارتی است که در جریان جنبش اعتراضی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ از آن بسیار استفاده شد. راه‌اندازی کارزارهای جمع‌آوری کمک مالی آنلاین و ساخت نمادین «اردک پلاستیکی» به مثابه فساد دولتی از ابتکارات او بود. او تحقیقات خود درمورد فساد نجبان را در اینترنت منتشر کرد و در گوست ۲۰۲۰ از یک مسمومیت سمی جان سالم به در برد. همکاری ناوالنی با سیاست‌مداران مخالف روسیه در سال ۲۰۱۲ و سه سال قبل از ترورش در نزدیکی کرملین، بر گزارش‌ها که به اتفاق هم‌فکرانش تهیه کرده بود، ادعا کرد پوتین تعداد درخور توجهی هلیکوپتر، جت، مستغلات، ساعت‌های لوکس و چند قایق تفریحی بزرگ دارد.

تحریم دختران پوتین

با آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین و تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا کاخ سفید به این نتیجه رسید که نزدیکان و اعضای خانواده پوتین در پنهان کردن دارایی‌های او نقش فعالی بر عهده دارند و به‌همین دلیل تحریم شده‌اند. منابع غربی و از حامیان بسته تحریم‌های آمریکا علیه روسیه مدعی‌اند کاترینا و ماریا دو دختر پوتین، ثروت پدرشان را پنهان کرده‌اند. کاترینا از مدیران بخش فنی است که کارش پشتیبانی از دولت روسیه و صنعت دفاعی آن است. به ادعای آمریکا ماریا دختر دیگر پوتین، هدایت برنامه‌هایی در زمینه پژوهش‌های ژنتیک را در اختیار دارد که برای انجام آنها میلیارد‌ها دلار بودجه دولتی از کرملین دریافت می‌کند و پوتین شخصاً بر آنها نظارت دارد. منابع آمریکایی اعتقاد دارند شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد پوتین و بسیاری از نزدیکانش ویز الیکارش‌ها با اعضای خانواده‌شان دارایی‌های خود را وارد سیستم مالی آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر می‌کنند و بسیاری از ثروت پوتین نزد اعضای خانواده‌اش پنهان است.

امپراتوری

پوتین در حال بازآفرینی تاریخ است. او می‌خواهد یک امپراتوری ایجاد کند و با همه امکاناتی که دارد قدرت‌ش را تحکیم بخشد. یکی از اولین کسانی که موضوع امپراتوری پوتین را مطرح کرد، استیون لی مایرز (Steven Lee Myers) یکی از خبرنگاران سابق روزنامه «نیویورک تایمز» بود. او کتاب زندگانی‌نامه رئیس‌جمهور روسیه با عنوان «خیزش امپراتوری پوتین، تزار جدید روسیه» را در ۴۵۹ صفحه نوشت. او هفت سال مسئولیت دفتر این روزنامه در مسکو را بر عهده داشت. کتاب یک داستان حماسی از مسیر زندگی، دوران کودکی و زندگی پوتین در فقر مطلق در شهر لنینگراد، رشد عامل کذب در شرق آلمان و فعالیت‌های پوتین در قدرت و تبدیل‌شدن او به یکی از رهبران مهم و پیچیده در جهان است. او کتابش را قبل از حوادث اوکراین نوشته است. از نگاه نویسنده، پوتین به دنبال رفاه میلیون‌ها نفر و ایجاد دموکراسی برای آنها در سال‌های اولیه پس از فروپاشی شوروی و پس از سال‌ها بی‌ثباتی و فقر در این کشور بود، اما به‌زودی پوتین درصدد نوع جدیدی از استبداد، تحکیم قدرت، قدرت مجدد کشور خود و از میان‌بردن مخالفان خود برآمد.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۷۰ •
نمار: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹

تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir



میانکاله و سند آمایش سرزمین مازندران



حسین‌نوری‌نیا

آمایش سرزمین یک ارزیابی نظام‌مند مبتنی بر اکوسیستم منطقه برای تعادل‌بخشی بین فعالیت، جمعیت و زیرساخت‌هاست تا از این طریق توسعه پایدار و متوازن را در جهت افزایش و پایداری توان سرزمینی فراهم آورد. برای همین است که بدون داشتن آمایش سرزمین یا بدون توجه به برنامه آمایش سرزمین، فعالیت‌های توسعه‌ای عمدتاً چنین توازنی را به هم می‌زنند. بر اساس آمایش سرزمین، همه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین با نظر گرفتن قابلیت‌های سرزمینی، منابع طبیعی و انسانی به صورت متوازن و هماهنگ توزیع می‌شود. از این رو، سند آمایش سرزمین، از نظر سازمان‌دهی فضایی، جامع‌نگر است و می‌تواند سه مؤلفه جمعیت، سرمایه و منابع طبیعی و محیطی هر منطقه و سرزمین مورد مطالعه را در تعامل با یکدیگر در قالب پایدارترین آرایش طراحی کرده و ارائه دهد. در ایران، سند آمایش سرزمین با اتکا به قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور تهیه می‌شود و همه دستگاه‌ها را ملزم می‌کند در فعالیت‌های خود چارچوب‌های آن را مد نظر قرار دهند. تخطی از این سند که حاصل مطالعات گسترده و عمیق پژوهشگران متعدد در شاخه‌های مختلف علمی است، پایداری سرزمین را با مسائل و مشکلات متعددی مواجه می‌کند. وضعیت بحرانی سرزمین اکنون ما، بی‌توجهی به اسناد آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای است. وضعیت وخیم آب در استان اصفهان ناشی از همین بی‌توجهی به نهی سند آمایش سرزمین در ایجاد تأسیسات فولاد است. آخرین سند آمایش سرزمین استان مازندران در سال ۹۴ به تصویب رسید. در این سند ضمن بررسی دقیق وضعیت منابع طبیعی و محیط زیست، وضعیت اجتماعی و فرهنگی، ساختار فضایی و توصیف و تحلیل پیوندهای اصلی بین سکونتگاه‌ها، چشم‌انداز و سانربوی فضایی توسعه استان

بین سکونتگاه‌ها، چشم‌انداز و سانربوی فضایی توسعه استان

تقد هفته

پیدا کنید برتقال فروش را...



امیر عزیبی

چشم‌پزشک

واکنش‌ها به گرانی تعرفه‌های پزشکی در هفته‌های اخیر در نوع خود بی‌نظیر و تاریخ‌ساز بوده است. ظاهر قضیه به این شکل است که نظام پزشکی نماینده قشر پزشکان شده و قیمت را بالا برده و صاحبان تریبون هم رایین‌هود شده تا حلق مظلوم را از ظالم بستانند. بحث تعرفه‌های پزشکی را هر دو هفته منتشر می‌کنند و چهره افزایش تعرفه نزدیک به یک سال است اسباب جلب توجه شده است. از طرفی نظام پزشکی مدام نامه‌ای منتشر می‌کند و قیمت‌های نجومی اعلام می‌کند تا دل پزشکان را به دست بیاورد و اعلام کند حامی پزشکان است، درحالی‌که با این کار صرفاً وجهه خراب‌شده پزشکی در جامعه را رابین‌هود شده تا حلق مظلوم را از ظالم بستانند. بحث تعرفه‌های پزشکی را هر دو هفته منتشر می‌کنند و چهره مظلوم به خود می‌گیرند که ببینم ما به فکر پزشک‌انیم بقیه نمی‌گذارند. از آن طرف هم عده‌ای منتظرند در جبهه مردم علیه ظلم نظام پزشکی شمشیر بکشند و طرفدار جمع کنند. اما از آسمان پریهایوی این واکنش‌سازی و واکنشگری که فزاینده در زمین بازی، تقابل پزشکان و بیماران، مناسبات دیگری دارد. جامعه پزشکان همچنان

به تفصیل بررسی و ارائه شده و ساختار فضایی و شکل‌بندی راهبردی سناریوی توسعه فضایی استان تدوین و برنامه‌های اجرایی آمایشی آن ارائه شده است. مروری بر این سند که اکنون به عنوان سند بالادستی هر نوع اقدام توسعه‌ای در استان مازندران قلمداد می‌شود، نشان می‌دهد که «میانکاله» به عنوان پهنه محیط‌زیستی در نظر گرفته شده است. پهنه‌های محیط‌زیستی در اسناد آمایش سرزمین در سطح‌بندی ملی قرار می‌گیرند. با این حال، در همین سند، با شماره شناسه ۲-۴-۳-۶ تهیه برنامه حفاظت و نگهداشت پهنه‌های محیطی و منابع طبیعی میانکاله با مقیاس فراملی برای سازمان محیط زیست با همکاری استانداری مازندران تصویب شده است. علاوه بر اینکه مرور سند نشان می‌دهد برای وزارت نفت در کل مازندران فقط سه برنامه اجرایی در نظر گرفته شده است، که عبارت‌اند از:

- توسعه میادین مشترک انرژی با کشورهای حاشیه دریای مازندران
- تأمین سوخت مناسب جنگل‌نشینان
- برنامه سامان‌دهی، حفاظت و نگهداشت زیرساخت‌های انتقال نفت

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در سند آمایش سرزمین مازندران هیچ سخنی از احداث پتروشیمی در مازندران به ویژه در میانکاله مطرح نشده است. علاوه بر اینکه میانکاله به‌عنوان پهنه طبیعی با مقیاس فراملی شناخته شده است. حتی در برنامه اجرایی توسعه فضایی در سطح خرد ناحیه بهشهر نیز به احداث چنین صنایعی اشاره نشده است. متأسفانه این روز‌ها با اختصاص ۹۰ هکتار زمین از بهترین منابع طبیعی کشور، درصدد احداث پتروشیمی در منطقه میانکاله هستند؛ منطقه‌ای که سند آمایش سرزمین آن را پهنه محیط‌زیستی تعریف کرده و در اختیار پیمانکار احداث پتروشیمی قرار گرفته است. خردش در انفجاری مشابه کشته شدند. این انفجارها محیط‌زیستی کرده، اما آیا مگر سند آمایش سرزمین تکلیف منطقه میانکاله و احداث چنین مجتمع‌هایی را مشخص نکرده است؟ قطعاً بی‌توجهی به این سند، توان سرزمینی مازندران را تحلیل خواهد برد و توازن منطقه‌ای را بر هم خواهد زد؛ آن هم در ناحیه‌ای که در مقیاس فراملی تعریف شده است.



♦ با وجود اعلام خبر توقف پروژه مجتمع بزرگ پتروشیمی در مجاورت پناهگاه حیات وحش میانکاله، شواهد نشان می‌دهد که ساخت پتروشیمی همچنان ادامه دارد عکس: اکبر قاسم‌پور، باشکاه خبرنگاران جوان

یادداشت

برای دکتر هادی خانیکی

چشمه جوشان امید ما



نفیسه زارع‌کهن

برای اولین بار در دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی دیدمش نه اینکه اسمش را نشنیده باشم نه! اما رودرو و چهره به چهره. همان جا دیدمش همان روز‌ها که شور جوانی و تغییر جهان از خواب و خوراک انداخته بودمان. همان روز‌ها که در دفتر انجمن می‌رفتم و می‌آمدم و او از پنجره اتاق کوچکش که جهانی در آن جای داشت ما را نگاه می‌کرد؛ اتفاقی که با تمام کوچکی همیشه همیشه درش به روی همه ما دانشجویانش باز بود. آن اتاق کوچک میزبان خیلی کسان بود؛ از دانشجویانش گرفته تا دانشجویان میهمان و اهالی رسانه برای مصاحبه، گپ‌وگفتی دوستانه یا علمی. تمامی ما را می‌شناخت به نام و حواشش به تمامی برنامه‌های ما بود. در کلاسش به روی همه باز بود و با اینکه حضور و غیاب نمی‌کرد اما کلاس همیشه شلوغ بود... از ارتباطات و توسعه می‌گفت، از دکتر تهرانیان که چطور دغدغه توسعه ایران را داشت و بعد تقلق‌ول‌ها و خاطره‌هایش خود می‌شد یک درس، یک آموزه. اکنون که سال‌ها از آن روز‌ها گذشته من اما او را رها نکرده‌ام، در کارشناسی ارشد و دکرا استاد راهنمایم بوده و از همه مهم‌تر سنگ صبور و راهنمایم در زندگی؛ همه جا و همیشه گفت‌وگو و روداری را از او آموختم‌ام و یاد گرفته‌ام که انسان تک‌ساختی زندگی ملال‌انگیزی خواهد داشت و همین است که استاد جامعه مدنی، ارتباطات، رسانه، سیاست و حتی زندگی روزمره را چنان زیبا به هم گره زده است که به این همه مهارت و هوشمندی باید غیظه خورد.

دغدغه‌مندی برای ایران را به چشم در روزگار و زندگی‌اش دیده‌ام و دیده‌ام که چطور هر زمانی که در اختیار داشته حتی اگر ساعتی و دقیقه‌ای برای سخن‌گفتن از مسائل ایران و جامعه مدنی صرف کرده و حضور در میدان عمل را بر نشستن در برج عاج روشنفکری ترجیح داده است. روداری چنان با وجودش عجین شده است که دشمن و بدخواه برایش معنا ندارد؛ حتی بدترین کلمات را با آرام‌ترین و گشاده‌ترین حالت پاسخ می‌دهد؛ بدبینی از وجودش رخت بسته و در یک کلام چشمه جوشان امید ماست. در روزهای سیاهی که از سر گذارنده‌ایم مظهر امیدمان بوده و تکیه‌گاه ... و هر وقت که ناامید شده‌ایم گفته که قفل یعنی کلیدی هم هست. مهربانی همیشه جزه جادایی ناپیدش بوده است؛ با همه مشکلات همیشه به او پناه برده‌ایم و پناهگاهمان شده است؛ بارها دیده‌ام که چطور پدانه برای دانشجویانش دل سوزانده و سعی کرده گره از کار فروسته‌شان بگشاید. اصلاً کجا دیده‌اید که استادی از شاگردش بخواهد لطفاً کنکور دکترا بده، لطفاً پروپوزالت را بنویس، لطفاً انتخاب واحد کن، لطفاً... لطفاً... و همین لطف‌های اوست که ما را همیشه شرمندehاش کرده است. حالا در روزهایی که ما (همه بچه‌هایش) دل‌نگران‌ش هستیم حتی در بیماری هم می‌خواهد به ما امید بدهد. می‌خواهد دل‌مان را قرص کند، انگار که ما از او بیشتر به امید نیاز داریم و چه انگار درستی است؛ ما دل‌نگران اوئیم و او نگران امید ما و حال ما، راست گفته است دکتر نمکدوست که: «حال هادی (دکتر خانیکی) که خوب باشد، احوالات همه ما خوب است حتی در این روزگار غم‌زده...». عمرش دراز و سایه‌اش مستدام باد استاد که حق پدري و معلمی را بر همه ما تمام کرده است... «غمت مباد و گزند مباد و درد مباد، که مونس دل و آرام جان و دفع غمی».

همسایه‌ها

خاطرات سرخ خونین

وسط سرک، همان جایی که به زمین افتاده بود، ایستاده است. چشم‌انم درست نمی‌دید. گوش‌هایم هم درست نمی‌شنید. فقط دخترانی را می‌دیدم که لباس سیاه داشتند و صورت‌شان قابل تشخیص نبودند (در واقع من تشخیص داده نمی‌توانستم). آنان هر طرف می‌دویدند. من اما نمی‌فهمیدم کجا بروم». او تعریف می‌کند به سختی راه می‌افتد و به داخل مکتب دانایی در نزدیکی مدرسه‌شان می‌رود: «می‌خواستم حالا که داخل مکتب در امنیت استم، کمی نفس بگیرم و بعد بروم. همین‌که آنجا نشستم، انفجار دوم شد. باز هم کلاس دهم مکتب سیدالشهدا بود. پارسال، همان روزی که در محاصره سه انفجار هفدم‌ثقل قرار گرفت، ۱۸ساله بود. او زبان انگلیسی هم خوانده و قالی بافی و خطاطی هم بلد است. پس از انفجار او اما همان دانش‌آموز جوان خطاط نیست، دختری زغمی است؛ با یک مشت خاطرات سرخ خونین». او می‌گوید: «انفجار که شد، همین‌قدر متوجه شدم که من به جلو، و همکلاسی‌ام به عقب پرتاب شد. بی‌هوش شدم. دگر چیزی یادم نیست. فقط زمانی که کمی به هوش آمدم دیدم که در جای قبلی‌ام نیستم. اول احساس کردم که شاید دارم فیلم می‌بینم. بعد کمی فکر کردم گفتم که شاید خواب می‌بینم. باز، این طرف و آن‌طرفم دیدم، دخترانی را می‌دیدم که با چادرهای سفید پر از خون داد و فریاد دارند. صنفی‌ام را دیدم که هنوز در